

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی

۸ دسمبر ۲۰۰۸

"ملالی جویا" و چنگال های خونین "شورای انقلابی"

به دوام یادداشت این قلم در ذیل مقاله آقای "سیستانی" و نوشتن نبشته ای کوتاه زیر عنوان "توضیحی مختصر اما لازم، خدمت یک دوست گرانقدر"، اکنون مقاله دیگری از آقای "سیستانی" زیر عنوان "بخاطر اهانت به ملالی جویا، با پورتال افغانستان آزاد، مقاطعه می کنم!" به نشر رسید، که ضمن آن این قلم نیز شامل مراحم!! ایشان گردید. هرچند ایشان در اخیر نوشته از جانب خود ختم "دیالوگ های انترنیتی" را ابراز داشته اند، با آنهم این قلم مصرانه از ایشان می خواهد، بحثی را که آغاز کرده اند، ادامه داده این قلم و متبای خوانندگان سایت های انترنیتی را از برکات آن بی نصیب نگذارند.

قبل از پرداختن به نوشته ایشان، بار دیگر تذکر می دهم که هم آن یادداشت و هم مقاله هائی که با امضای من منتشر می گردند، موضع شخصی خودم بوده هیچ ارتباطی به سایر گردانندگان پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" – چه موافق این موضع گیری ها باشند و چه هم مخالف آن – ندارد. پورتال هرگاه خواسته باشد این صلاحیت را دارد، تا در رد و یا تأیید این نوشته ها، موضع خویش را اعلام دارد. در نتیجه تا قبل از اعلام موضع گیری پورتال، سر و صدا راه انداختن را علیه پورتال کاملاً کودکانه ارزیابی می نمایم.

آقای "سیستانی" در نوشته ای که قبلاً از آن تذکار به عمل آمد، می نویسد:

« جناب محترم آقای موسوی ! من تعجب میکنم که شما با همه دانش و فهم خود چگونه یک بار دیگر با استبداد کم نظیری در مقابل ملالی جویا ، این زن با شهامت و دلیر افغان قرار گرفته اید....»

آقای "سیستانی"!

خلاف شما که از موضع گیری من علیه اداره مستعمراتی و خادمین آن "تعجب" نموده اید، حقیقت را بپرسید، من از موضع گیری شما نه تنها تعجب ننموده ام، بلکه از مدتها قبل می دانستم که دنبال بهانه ای هستی تا همکاری تان را با پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" خاتمه بدهید. این را شما نه یک بار بلکه چندین بار آگاهانه و یا نا آگاهانه از خود تبارز دادید. لذا اگر اندکی صادقانه به قضایا برخورد صورت گیرد، باید همان طوری که من از شما به خاطر این مقاطعه سیاس خویش را ابراز می دارم، شما نیز باید از صمیم قلب از من متشکر باشید.

مرا سپاس بدان خاطر است که کناره گیری و مقاطعه شما با پورتال، برخی از دوستان دیگری را که به حق بر من انتقاد می نمودند، که نباید به جنایتکارانی که با تکیه بر مقامات بالا خون انسانها را بر زمین ریخته اند، از در مُماشات پیش آمده زمینه اعادة حیثیت آنها را فراهم نمود، در حالیکه این قلم را اعتقاد بر آن بود که نباید دروازه های انتقاد از خود را بر روی آنانی که از کرده پشیمان اند، بست. تجربه نشان داد که دید آنها در این مورد درست تر از تصور من بود. و اما شما می بایست بدان خاطر شاکر می بودید که شما را از یک "جنجال" کلان رهائی بخشیدم. و آنهم این که در عوض قلم را در خدمت خاندان ها قرار دادن، مجبور بودید مطابق پلان پورتال علیه تجاوزات پیهم قوای اشغالگر تحقیق نموده قلم بزنید – چیزی که خود از آن شکایت نمودید – به خصوص آن که چند روز بعد ۲۷ دسمبر آمدنی بود و شما نیز ناگزیر بودید در محکومیت تجاوز شوری بر افغانستان و تمام تبعات جناحی روشنی

انداخته، آنرا محکوم نمائید، یا به عبارت دیگر روبه بالا تف نمائید. اکنون هیچ نوع اجباری شما را وادار به این کار نمی سازد.

آقای سیستانی!

ببیاید برای یک لحظه هم که شده به قضیه صادقانه برخورد نموده نه در عقب "فمینیسم" سنگر بگیرید و نه هم "پوپولیزم" را چتر دفاع خود بسازید. شما خود خوب می دانید که اختلاف من و شما روی مواردی خود را متمرکز و متبلور ساخته بود، که به "ملالی جویا" هیچ ربطی نداشت، در نتیجه اگر واقعاً "ملالی جویا" نزد شما از اعتباری برخوردار بود و هست در عوض آنکه از آن اعتبار هزینه می نمائید، اصل اختلافات ما را مطرح نموده، بدان وسیله بخت خود را بین مردم بیازمائید. اختلافاتی که در خطوط کلی خود شامل نکات آتی میگردید:

۱ - خاستگاه سیاسی متناقض ما دوفرد:

یعنی در حالیکه این قلم در زمانش افتخار آنرا داشته ام تا در کنار مردم خود ایستاده و به دفاع از منافع مردم و استقلال کشور تا پای مرگ و چندین بار زخمی شدن پیش بروم، جناب عالی، با غنودن در آغوش گرم ارتش متجاوز شوروی و مزدوران بی مقدار آن، عافیت خویش را جُسته از طریق "شورای انقلابی" چپ و راست شمشیر زده، فرمان قتل آزادیخواهان و فرزندان این مرز و بوم را که جرأت نموده و بر رخ استعمار سیلی حواله نموده بودند، صادر می کردید. این اختلاف که می توان آنرا به اختلاف بین "مقاومت" و "انقیاد طلبی"، خلاصه نمود، بارها به اشکال مختلف خود را متبازر می ساخت. به خصوص وقتی این قلم مسأله "به پاسخگوئی کشاندن مقامات تصمیم گیرنده حزبی و دولتی را مطرح نمودم" از قبل معلوم بود که جنابعالی نمی توانید به این سمت حرکت نموده، مقدمات محاکمه خویش را فراهم نمائید.

۲ - اختلاف و تناقض دید ما دو نفر در زمینه تاریخ قرون ۱۸ الی ۲۰ و برداشت های متفاوت ما در تیرئه و یا محکوم نمودن این فرد و یا آن فرد، از نکات دیگری بود که هردو طرف روز تا روز شاهد شکل گیری و تبلور بیشتر آنها بودیم. در حالی که جنابعالی از طرز برخورد من در مصاحبه ها ناراضی بودید و شکایت از آن داشتید که چرا با نام بردن و تعریف از یکی و دیگران را به فراموشی سپردن، برخی ها را که مشخصاً شخص خودتان منظور نظر بود کم می زنم، شما نیز در حد توان اینجا و آنجا از مرحمت تان این قلم را محروم نمی نمودید. تحمل چنین حالتی برای جنابعالی هرچند دشوار بود، مگر این نکته را نیز به نیکوئی می دانستید که در آن سنگرها به نبرد پرداختن به علاوه آن که هیچ نوع بُردی را در چشمرس قرار نمی داد، باخت توأم با خفت تان را نیز با خود به ارمغان می آورد.

۳ - نکته دیگر اختلاف عمیق ما در تعیین ماهیت دولت بود. در حالی که این قلم و اکثریت قریب به اتفاق گردانندگان پورتال، "افغانستان" را یک کشور اشغال شده و اداره کابل را یک "اداره مستعمراتی" می دانیم، جنابعالی پافشاری داشتید که کار برد چنین کلماتی از حیثیت و نفوذ پورتال کاسته، مناسب نیست تا مورد استفاده قرار گیرد. در حالی که نزد ما تعیین ماهیت دولت شامل مقولات تکتیکی نمی شد، تا با آن برخورد تکتیکی نموده با کاسبکاری و خوشنودی این و یا آن از به کاربردن آن خود داری ورزیم.

۴ - اختلاف عمیق بین پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" و انقیاد طلبان "افغان - جرمن" در موضع گیری علیه افراد و اشخاص متفاوت به خصوص رقیب قدرتمند "کرزی" و بزرگترین امید انقیاد طلبان آقای "جلالی"، یکی دیگر از نکاتی بود که به علاوه ایجاد فاصله بین شما و گردانندگان پورتال، با حالت تعرضی که داشته و دارم، همکاری ما را در یک رسانه غیر ممکن می ساخت. چه در حالی که اکثریت گردانندگان پورتال را عقیده بر این است که نقش افراد در تغییر یک چنین سیستمی تقریباً هیچ بوده، تفاوت های شخصی آنها هیچ رولی در تعیین ماهیت مستعمراتی دولت نمی تواند داشته باشد و در نتیجه چه "جلالی" روی کار آید و یا دوباره کرزی بر اریکه قدرت جا خوش نماید و یا کدام فرد دیگری، همه در خدمت نظم و سیستم خاص استعماری ناگزیرند خود را عیار نموده چه بخواهند و چه هم نخواهند، در نهایت نتایج کارشان در تقابل با منافع مردم قرار خواهد گرفت. در حالی که جنابعالی بر پایه تعهداتی که از قدیم الایام با برخی از گردانندگان پورتال "انقیاد طلبان" داشته و دارید و بر مبنای تعهدات موجود بین "جلالی" و گردانندگان پیدا و پنهان "افغان - جرمن" و سهم آنها در قدرت بعد از پیروزی احتمالی "جلالی" بار دیگر خود را در آستانه یک "شورای انقلابی" از نوع جدید آن می دیدید، مبرهن است که ادامه همکاری با من نوعی را دشمن تمام آرزوهای تان دانسته در صدد آن بودید تا از پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" بریده نزد استعمار و ایادی آن تبرا جوئید.

۵ - بر خورد نسبت به نفس شرکت در انتخابات یک اداره مستعمراتی، یکی دیگر از نکاتی بود، که همکاری دراز مدت بین ما را ناممکن می ساخت. در حالی که جنابعالی فکر می نمائید که بدبختی افغانستان به خاطر آن است که گویا "شورای نظار" و "ائتلاف شمال" در انتخابات برنده شده و در حاکمیت قرار دارند و لذا باید علیه آنها موضع

گرفت، نه علیه اداره مستعمراتی. لاف این قلم را عقیده بر آن بوده و هست، که نفس شرکت در انتخابات، به معنای حقانیت بخشیدن به یک اداره مستعمراتی بوده در عمل تائید تجاوز و خیانت به امر آزادی و استقلال کشور می باشد.

با در نظر داشت نکات فوق خود به نیکویی می دانید که علت اختلاف شما با من و بریدن تان از پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" نه حمله بر "ملالی جویا"، بلکه امیدواریهای فزون از حدیست که در رسیدن به یک مقام دولتی دارید. پس بیائید بیشتر از این "ملالی جویا" را سپر بالای خویش نسازید. در ادامه همان جمله، صرف نظر از آنکه وقتی "یک بار دیگر" را به کار می برید، "بار اول" را تذکر نمی دهید، تا خواننده خوبتر متوجه هدف شما گردد، چنان از زن یاد می کنید و خود را در ردای دفاع از زن می پوشانید، که تو گوئی این شما و همکاران تان نبوید که با قیمت گذاشتن بر زن و صدور فرمان شماره هفت، زن را در قرن بیستم آنهم زیر نام انقلاب، خلق و سوسیالیزم به یک متاع بنگل مبدل نمودید.

آقای سیستانی!

وقتی این همه برای حقوق زن و احترام به زن سینه چاک می نمائید مواظب باشید تا از پشت بام نیفتد. شما چندین جای وقتی از "ملالی جویا" نام برده اید همینکه او زن است، این جنسیت را قابل احترام اما غیر مسئول معرفی داشته اید. آقای سیستانی، با این طرز تفکر چه می خواهید بگویند؟ به راستی آنهمه به زن احترام دارید که وی را فاقد مسئولیت در ابراز نظرهایش می دانید و یا اینکه عقب چنین طرز تفکری ته مانده های وجدان مذهبی تان وجود دارد و تا هنوز زن را "ناقص العقل" و کمتر از مرد می دانید، در غیر آن این همه پای جنسیت را به میان کشیدن چه معنی و هدفی را دنبال می کند؟ مگر نمی دانید که "زن امروز" به همان اندازه از "ترحم مرد سالارانه" نفرت دارد که از اجحاف آن؟

این یعنی چه که چون زن است نباید چیزی علیه او گفته شود؟ شما را خدا از بالای زمین تفکرات مرد سالارانه تان پائین بیاندازد و بیشتر از این با شمشیر دفاع از زن، به زن کشتی دست نزنید. این را بپذیرید که زن هم انسان است و متناسب با احترام انسانی می باید پاسخگو و مسئول هم باشد. و اینهمه در عقب حرمت زن سنگر نگیرید. راست و ساده بگوئید که اختلاف تان با من و مقاطعة تان با پورتال روی کدام انگیزه ها بوده است. متوجه باشید وقتی ۳۰ سال قبل با شرکت در شورای انقلابی و امر به کشتار مردم دادن، مرتکب آن خیانت بزرگ گردیدید، با آنکه این ۳۰ سال را هم داشتید و از آن زمان تا اکنون بارها قبله عوض نموده اید، مگر باز هم موفق نشده اید ذهنیت مردم را نسبت به خود تان تغییر دهید. اکنون در این پس پیری با آنکه می دانید دیگر فرصت ۳۰ ساله را برای تصحیح اشتباهات تان ندارید، از غسل در مُرداب "انقیاد طلبی" پرهیز نموده، نگذارید شما نیز مانند رهبر خردمندتان "ببرک کارمل" از داشتن یک گور آرام هم محروم شوید.

آقای سیستانی!

برای من جنسیت "ملالی جویا" پشیزی ارزش ندارد می خواست مرد باشد و یا مخنث. او را یک انسان عاقل و با درایت کامل دانسته، مسئول افعال و کردارش می دانم. در همین جا باید به جنگ آن طرز تفکری نیز رفت که تعلق جنسیتی را عمده قرار داده بدون آنکه بدانند در یکی از دام های امپریالیستی اسیر می گردند. به چنین افراد باید گفت که در طول قرن بیست، یکی از اهداف عمده امپریالیزم آن بوده که بین طبقه کارگر کشور های صنعتی به خاطر استثمار بیشتر آنها جنگ جنسیت را به وجود آورد. به علاوه اگر قرار باشد، بر اساس جنسیت حقانیت توزیع گردد، متوجه باشید که منطق "ملا محمد عمر" نیز غیر از این چیزی نیست.

آقای سیستانی!

شما در دوام اکیلل گلی که برای من فرستاده اید، از افشاء گری های وطن پرستانه "ملالی جویا" یاد آوری مینمائید. چطور است که باز هم "ملالی جویا" را بگذاریم سر جایش و در عوض از جنابعالی بپرسیم، منظور تان از افشاء گری های وطن پرستانه چیست؟ آیا از همان قماش نیست که در "شورای انقلابی" آنرا بلغور می نمودید و یا به کشف دیگری نایل شده اید؟ آخر شمائی که هم دیروز در خدمت استعمار قرار داشتید و هم امروز عریضه پشت عریضه به دربار جباران و ضحاکان زمان تقدیم می دارید و آشیانه های فساد استعماری آنها را اعم از "پارلمان پوشالی" و سایر قواء را مدیحه سرائی می نمائید از وطن پرستی چه درک و بر داشتی دارید، اگر می شود لطف نموده معیار های تان را بنویسید، شاید به درد فرزندان "کرزی" ها بخورد.

آقای سیستانی!

وقتی در نیشته قبلی نوشتم، در کنار "ربانی، سیاف و قانونی" افراد دیگری نیز در "پارلمان پوشالی" وجود دارند که در جنایت علیه بشریت دست کمی از افراد ذکر شده ندارند و به صورت مشخص از "گلاب زوی ها و علومى ها" نام بردم؛ نگاشتم که در غیر آن انسان بدان فکر می افتد که نکند تعلقات دیگری در بین باشد و نویسنده خواسته است آن را کتمان نماید. اکنون با صراحت و به صورت مستقیم از جناب شما می پرسم از آوردن نام "گلاب زوی ها و علومى ها" در قطار سایر جنایتکاران چه مشکلی دارید؟ نکند تعلقات قبلی "شورای انقلابی" هنوز زنده باشد و مردم من جمله "ملالی جویا" از آن اطلاع ندارند؟ از آن گذشته مگر "ملا راکتی" و متباقی اعضای طالب جنایت نکردند

و در زمان حاکمیت شان افغانستان را به گورستان مردم آن مبدل ننموده بودند که امروز جناب شما عامدانه همه را متوجه چهار جنایتکار ساخته و ۶ دیگر را از قلم می اندازید؟ باز هم نکند اگر برای عده ای تعلقات حزبی قبلی بر زبان قفل می بندد برای سایرین تعلقات قومی و زبانی این مانع را به وجود آورده باشد. آقای سیستانی!

شما می پرسید که اگر "جویا" بد است چرا در پورتال ما چند خبر و حتی مقاله به طرفداری وی به نشر رسیده است. به خاطر آنکه پاسخ تان را در این زمینه داشته باشید، لطف نموده بدون بهانه جویی های "بنی اسرائیلی" نخست به همان یادداشت زیر مقاله تان مراجعه نموده آن را با دقت مطالعه نمائید؛ تا دریابید که در آنجا نفس شرکت در پارلمان یک اداره مستعمراتی به مثابه خیانت مطرح گردیده، نه اینکه چه کسی خوب است و چه کسی بد. اگر شما هم در چنان پروسه ای شرکت نمائید همان حکم را دریافت خواهید کرد و اگر خودم هم در همچو پروسه ای شرکت ورزم همان حکم نصیب من نیز خواهد گردید. از جانب دیگر شاید شما تا هنوز متوجه نشده باشید که پورتال، نه یک حزب است و نه هم یک سازمان، تا تمام افراد آن مکلفیت داشته باشند، تجاوز ارتش سرخ را کمک انترناسیونالیستی دولت شورا ها تبلیغ نمایند. پورتال محصول همکاری آگاهانه چند تن افغان میهن دوست است که بر روی اهداف معینی باهم توافق نموده، جهت تحقق آن اهداف باهم همکاری می نمایند. آنها در برخی مطالب باهم اتفاق نظر دارند و در بسا مطالب دیگر با هم نظرات شان موافق همدیگر نیست. بین آنها نه جبر عقیدتی وجود دارد و نه هم مهر سکوت بر لبان کسی می کوبند. آنها ضمن آنکه روی اهداف پورتال باهم متحدانه کار می نمایند، اصل وحدت و مبارزه را بین خودشان نیز از یاد نبرده اند - من را ببین برای چه کسی از اصل "وحدت مبارزه وحدت" صحبت می نمایم. جنایتکاران "شورای انقلابی" اگر به این اصل معتقد می بودند این همه آدم را نمی کشتند - بر همین مبنا بسیار منطقی و بجاست که احمد در زمانش یک نظر داشته و محمود نظر دیگری. مگر در جریان کار مشترک و تبادل تجربه و معلومات یا هر دو بر روی یک نظر توافق نمایند و یا اینکه هریک نظر خویش را حفظ نماید. موجودیت چنین روحیه و طرز کاری نه تنها نقطه ضعف یک نهاد نیست، بلکه به معنای ریشه دار شدن ارزش های دموکراتیک در آن نهاد به شمار رفته، قوت آن نهاد را بازتاب می دهد.

آقای سیستانی!

خوشحالم از اینکه شما هم بعد از مدتها در یوزه گری برای خلق و پرچم، با کلمات شهامت و شجاعت اندکی آشنائی به هم رسانیدید. شاید بتوان این دستاورد را محصول همکاری کوتاه مدت تان با پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" دانست؛ ای کاش مدت بیشتری در این مکتب مبارزاتی زانو می زدید، تا به عمق معنای آنها نیز پی میبردید. وقتی ادعا می کنید که گویا کسانی در خارج از افغانستان و در بستر گرم امپریالیستی به فکر مبارزه افتیده و از دور از زیر لحاف آن فریاد زده شعار مرگ بر امپریالیزم را سر می دهند. نباید فراموش نمائید که از یکطرف شما و دوستان تان عاشق سینه چاک تبلیغ برای کوچک شدن جهان تا سطح یک دهکده هستید، از جانب دیگر بارها در مطبوعات و رسانه های غربی افشاء شده است که ظرف این هفت سال بعد از ۱۱ سپتمبر، پنتاگون و سی.ای.ای در تمام نقاط جهان من جمله اروپا، کانادا و داخل امریکا زندانهای مخفی به وجود آورده بدون در نظر داشت موازین قانونی به بگير و ببند مخالفین شان دست یازیده اند، چنانچه آنها را ماه ها از خانواده های شان ربوده یا در کشتی های اجاره شده و یا هم در داخل کشور های اروپای شرقی در زندانها به زنجیر کشیده اند. حتی نمونه های چندی که افراد معینی را به خاطر گرفتن معلومات امنیتی قبل از آن که معلومات "بسوزد" به کشور های سوریه، پاکستان و افغانستان جهت شکنجه فرستاده اند، نیز به وسیله مطبوعات افشاء گردیده است؛ مگر باز هم چشمتان را می بندید و نقش آنانی را که در زیر سیطره مستقیم امپریالیزم به مبارزه علیه آن دست می یازند؛ نادیده گرفته تخطئه می نمائید.

آقای سیستانی!

هرگاه از جواب قبلی من که هر جا دشمن باشد ما هم حضور خواهیم داشت و هیچ منطقه کره ارض را برای دشمن "قرق" نخواهیم کرد، چیزی دستگیرتان نشده باشد و به عمق سیستم جنایتکارانه جنایت گستران کاخ سفید و شرکاء هم در سطح جهان نتوانید پی ببرید به غیر آن که صمیمانه برای تان دعا نمایم که از این مرض نجات یابید، مطلب دیگری برای گفتن ندارم. همینقدر برایتان یاد آور می شوم ما که از ترس!! در خارج از افغانستان اما در زیر چکمه های خونین امپریالیزم، امپریالیزم را در مظاهره های چند هزار نفری به مبارزه می طلبیم، کوشش کنید که شما با تمام شجاعت تان، خواب چنین گستاخی را نبینید، ورنه خدا نخواسته تمام انقیاد طلبان عزا دار شده ایدولوگ شان را از دست خواهند داد.

در اخیر جا دارد باز هم به بند اول نبشته تان برگشته یکبار دیگر ثابت نمایم که تا هنوز از تعلقات "شورای انقلابی" ات نبریده ای.

هموطنان ما شاید به خاطر داشته باشند که یکی از روش های تبلیغاتی "خاد" به خاطر انحراف اذهان عامه و عناصر عقب مانده از جنایات "حدخا"، با زرنگی کامل طرح یک "اگر" بود. آنها می گفتند: «برو برادر خدا را شکر کن، که شعله بی ها به قدرت نرسیدند، وقتی خلق و پرچم که از مبارزه مسالمت آمیز دم می زدند، این همه آدم کشتند، "اگر" آنها که از مبارزه "قهر آمیز" دفاع می نمودند، به قدرت می رسیدند، از این هم بدتر می کردند.» آقای

سیستانی در همان بند اول نوشته شان نشان دادند که نه تنها از خلق و پرچم هنوز نبریده اند، بلکه در فرصت های مناسب به تبلیغ افکار آنها نیز می پردازند.

در جواب باید گفت :

آقای سیستانی!

این را هیچ کسی پیش بینی کرده نمی تواند که هرگاه من نوعی به قدرت می رسیدم ، چه می کردم؛ چون هنوز تجربه حاکمیت را بر دوش ندارم. مگر این را به صراحت گفته می توانم که بر اساس تجربه از زندگی شما در گذشته، هر چه می کردم شما مؤید آن می بودید و حکم انجام آنرا امضاء می نمودید، چنانچه در زمانش انجام دادید.

آقای سیستانی!

اگر یک لحظه به خوشبختی وبد بختی باور نمائیم، می توانم بنویسم:

من خوشبخت بودم که به قدرت نرسیدم و کوله بار جنایت را حمل نمی کنم ، اما شما چه؟ مگر نه تنها این که شما این خوشبختی را نداشتید ، در کنار کسان دیگری ایستاده به کشتار مردم دستور صادر نمودید؟

آقای سیستانی!

مواظب باشید، "ملالی جویا" از این آگاه نگردد، که شما با سابقه "شورای انقلابی" تان به حمایت از وی برخاسته اید. زیرا تا جایی که از روحیه خانم "جویا" شما خود اطلاع دارید، از همان داخل افغانستان خواهد گفت :

"مرا به حمایت قاتلان خلق نیازی نیست!"